

میدون و سوفیا

عاشق باید فیلترشکن باشد!

● **بورسا عالمی**: سوفیا... عشقم... اینجا طوری می‌گویند می‌خواهند اینستاگرام را فیلتر کنند که آدم فکر می‌کند چه خبر شده! درحالی‌که الان همه چیز فیلتر است و همین اینستاگرام فیلتر نیست! به نظر ما باید اعلام کنند اینستاگرام را «هم» داریم فیلتر می‌کنیم تا کسی تعجب نکند.

بعد هم سوفیا! یکی از خفن‌ترین کشورهای جهان که پدر آزادی بیان هم محسوب می‌شود و نصف روزنامه‌نگارهایش زندان هستند همین ترکیه زیبای خودمان است! آیا می‌دانستی در ترکیه، ویکی‌پدیا فیلتر است؟ وقتی نصف ایرانی‌ها تعطیلات می‌روند ترکیه، حتماً با ترکیه حال می‌کنند! وقتی همه اجناس ما در بازار برند ترکیه‌ای است، پس ما پیشنهاد می‌کنیم ما ایرانی‌های اصل‌ی نه از فیلترینگ گله کنیم، نه از توقیف و فلان!

راستی سوفیا! این بهانه الکی است که با فیلتر اینستاگرام جامعه آسیب می‌خورد و مشاغل جدید از بین می‌روند، چرا؟ چون تلگرام فیلتر شد و تک کسی نگزید که این آدم‌ها که داشتند پول درمی‌آوردند چی شدند؟

می‌دانی سوفیا؟ اینستاگرام فیلتر شود، خداراشکر سایت‌های فیلترشکن‌فروش فیلتر نیستند! که آدم شک می‌کند نکند این دوتا به هم ربط دارند! سوفیا! اینستاگرام نبود چه عیبی داشت؟ من توی فامیل ادا درمی‌آوردم و فامیل می‌خندیدند، الان فیلمش را می‌گذارم اینستاگرام تا همه بخندند. من سر کوچه کُری می‌خواندم و نفس‌کش می‌طبیدم، الان تسوی اینترنت دادوبیداد می‌کنم. من توی تهایی خودم اشک می‌ریختم، الان جلوی دوربین و در لایو، جلوی صد هزار نفر، گریه می‌کنم و اعلام افسردگی و تهایی می‌کنم!

سوفیا... بگذار همه‌چیز فیلتر شود! فیلترشکن را عشق است! مگر بابای تو، تو را برای من فیلتر نکرده و دسترسی من را به تو محدود نساخته؟ آیا من مُردم؟ نه! فقط پدرم درآمده! وگرنه من تحت هر شرایطی و هر فیلتری به تو خواهم گفت: دوست دارم! اصلاً با بابایی که تو داری، عاشق باید فیلترشکن باشد! عاشق فیلترشکن تو! میدون دوم!

قصه‌های شهر

فیلتر روایت



● **گیتی منفرد** زاده

● نگاهی به تقویم می‌اندام، عجیب است، در همین ۱۰ روز میانی دی‌ماه زادمرگ یک کرور آدم است؛ از تختی گرفته تا حمید عاملی، از امریکبر تا محمد قاضی، از نیما تا بدیع‌زاده، حتی آن وسط مظفرالدین‌شاه و شاه‌عباس صفوی هم چشمک می‌زنند. به قطار اسم‌ها نگاه می‌کنم، روایت رسمی تاریخ را درباره هرکدامشان می‌دانم، که به دنیا آمدند،

نام همسر (و در مواردی فوج همسران!) و فرزندان‌شان چه بود، چکار کردند و چه بر جا گذاشتند و سرانجام چطور با جهان وداع کردند. دلم می‌خواست روایت غیررسمی‌شان را می‌دانستم؛ اینکه آن شب قبل از اینکه غلام‌رضا تختی کار خودش را تمام کند، دم پنجره رفته و یاد کدام کوچپس‌کوچه تهران افتاده؛ حمید عاملی وقتی به‌سختی در بیمارستان نفس می‌کشیده، یادآوری کدام قصه آرامش می‌کرده؛ محمد قاضی وقتی فهمیده حنجرارش را از دست می‌دهد، برای آخرین‌بار کدام کلمه را تکرار کرده تا طنین صدایش را بشنود؛ امریکبر قبل از اینکه دستش را برای رگ‌زنی جلو بیاورد، یادش بوده که تاج‌الملوک دخترش را آخرین‌بار کی بقبل کرده یا نه؛ نیما وقتی داروهای رنگ‌وارنگ پزشکان ذات‌الیه‌اش را خوب نکرد، از فکرش گذشته که کاش به جای شاعرشدن طیبب شده بودم؛ بدیع‌زاده در همان حال که سخته مغزی، هوش و سواشش را ربود توی سرش صدای انگش منگینه شده‌ی مددلی می‌پیچیده یا خزان عشق؛ مظفرالدین‌شاه وقتی با بدن اولاده‌ش متعفن روی تخت افتاده بوده، هوای فیلم‌دین در سینماتوگراف به سرش زده؛ شاه‌عباس داخل کاخ اشرف در حال مرگ دلش بیشتر برای آن پسرش تنگ شده که کورش کرده بود یا آن پسرری که فرار کرد و دیگر خبری از او نند؟

در همین فکر و خیال‌ها شبیکه اینستاگرام را باز می‌کنم به این امید که شاید تصویر لحظه آخری از این آدم‌ها پیدا کنم. جلوی چشمم روایت غیررسمی زندگی هزاران آدم دیگر می‌آید که ناهار ظهرشان، چای عصرشان، مراسم دندانی اولین بچه‌شان، زدن نیمرود در ارتفاع هزارپایی و دل‌مشغولی‌شان به فلان شعر یا جمله یا آهنگ را برای میلیون‌ها نفر به اشتراک گذاشته‌اند. حالا فکر می‌کنم که این روایت غیررسمی زندگی این آدم‌ها با روایت رسمی‌شان در جامعه بیرون چقدر فرق دارد؟ چطور آدم‌هایی با این همه لطافت و نازک‌بینی و احساس و علایق جورواجور وجود دارند اما وقتی قدم در شهر می‌گذاریم اغلب جز منشی مردم عجول و بی‌حوصله و تندخو که به دنبال نیازهای یکسانی هستند، نمی‌بینیم؟ همه درگذشتگان را پشت سرم جمع می‌کنم و می‌گویم بایباید با هم سلفی بگیریم. من می‌خواهم روایت اصل‌ی خودم را زندگی‌کنم، بی‌خیال فیلترهای بیرونی و درونی.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۱۸ دی ۱۳۹۷ | ۱ جمادی‌الاولی ۱۴۴۰ | ژانویه ۲۰۱۹ | سال شانزدهم | شماره ۳۳۳۷ | ۱۶ صفحه | اذان ظهر تهران ۱۲:۱۱ | اذان مغرب ۱۷:۲۷ | اذان صبح فردا ۵:۴۶ | طلوع آفتاب ۷:۱۵

روزنفرها

کارتون خواب

● **حافظ نصیراوغلو**



نگاه سبز

سنگ‌اندازی برای دوچرخه‌سواران



● **محمد درویش**

۱. در خبرها آمده است که محمد علیخانی، رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران، در اظهارنظری تند و شگفت‌آور علیه پیروز حناچی گفته است: «در شهرداری به دنبال طرح‌های شکست‌خورده هستند، دوچرخه طرح شکست‌خورده است».

۲. واقعا متأسفم که رئیس یکی از کمیسیون‌های راهبردی شورای شهر برآمده از لیست امید، باید این‌گونه یکی از کارآمدترین، پاک‌ترین، سالم‌ترین و ارزان‌ترین شیوه‌های حمل‌ونقل درون‌شهری در جهان را انکار کرده و شهردار پایتخت را به دلیل حمایت از آن، به چالش بکشد. تامل‌برانگیز آنکه علیخانی از شهری به پایتخت آمده که خود بهترین عملکرد را در ترویج دوچرخه‌سواری داشته و بی‌شک مردم شریف و اهل‌رکاب قزوین وی را بابت چنین اظهارنظری نخواهند بخشید.

۳. اما چرا استفاده از دوچرخه، نه‌تنها یک طرح شکست‌خورده نیست، بلکه می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی در تهران بیفزاید، با روان‌ترکردن ترافیک، افزایش عیار آبی آسمان، کاستن از آلودگی هوا و مهار ناهنجاری‌های صوتی، بررسی‌ها نشان می‌دهد که روزانه ۲۷ میلیون سفر در تهران رخ می‌دهد. اگر فرض کنیم فقط نیمی از این سفرها کمتر از ۱۰ کیلومتر است، به‌راحتی می‌تواند به جای هر وسیله نقلیه دیگری با دوچرخه طی شود. یک مطالعه در اتحادیه اروپا نشان می‌دهد اگر هر شهروند ساکن در لندن، روزانه فقط پنج کیلومتر از مسیری را که با خودروی شخصی خود

● **فریدون مجلسی**

سال ۲۰۱۸ سالی پر از آشوب بود. آشوبگر اصلی در عرصه بین‌المللی کسی جز ترامپ رئیس‌جمهور ی‌ا بهتر بگویم مدیرعامل نامتعارف آمریکا نبود. شاید بد نباشد نگاهی به فهرست عملکردهای ویژه او که تأثیاتی بین‌المللی برجای گذاشت، ببندازیم:
● کنارگذاشتن سیاست همیشگی آمریکا در مخالفت با تعرفه‌های حمایتی و بالا بردن تعرفه‌های گمرکی چه در قالب «نفتا» یعنی با همسایگان کانادایی و مکزیک‌ی و چه در قالب اتحادیه اروپا و چه در مقابل چین که اکنون بزرگ‌ترین رقیب تجاری آمریکاست. البته این‌س کار با مقاومت و رفتار متقابل به‌ویژه از جانب چین مواجه شد.

● تشدید سیاست ضد مهاجرت در مقابل کشورهای دشمن و همچنین اصرار بر کشیدن دیوار میان آمریکا و مکزیک که با مخالفت مجلس نمایندگان در لایحه بودجه مواجه شده و ترامپ هم عملاً با تصویب‌نکردن بودجه دولت آمریکا را به تعطیلی کشانده و به پروگان گرفته است. باید منتظر نتایج آن بود.

● ادامه تحریم روسیه که موجب واکنش آن کشور درباره ممانعت کشتی‌رانی اوکراین در آب‌های کریمه شد.

منظومه خاموش ۳

برادر بزرگ‌تر



● **مهدی حیوانی**

مسجد امام جعفرصادق (ع) در محله آریاشهر تهران که محل فعالیت‌های ما بود، شهید و رزمنده بسیار داشت، اما من ترجیح داده بودم تنها و بدون همراهی دوستانم به جبهه بروم.

با این‌همه، دو دوست را در آنجا دیدم؛ یکی از آنها مسعود صفری بود. مسعود برادر دوست من بود. من با دو برادر بزرگ‌تر او -مهدی و امیر- بیشتر دوست بودم اما با خود او به‌دلیل اختلاف سنی رابطه‌ام مثل یک برادر بزرگ‌تر بود. مسعود حدود ۱۶ سال داشت. مسعود چهره‌ای بانمک داشت. ریش نداشت و مختصری مو پشت لبش سبز شده بود. عینک می‌زد. اغلب خنده‌ای روی صورتش بود و گونه‌هایش با خنده چال می‌انداخت. قیافه‌اش بی‌اندازه ساده و بی‌آلایش بود. آن روزها چهره‌اش تابناک و روشن‌تر از همیشه بود و این نشانه‌ای بود از اینکه این نوجوان ۱۶ساله شهید خواهد شد و شد. دوست دیگر، مجید نصیریور بود که حدود ۱۷ سال داشت. از گردان تخریب بود و به گردان ما مأمور شده بود. برخلاف بنده، از آن رزمنده‌های فابریک بود کنار او نشستم و چایی خوردیم. می‌گفت با بچه‌ها دور هم نشست‌ه بودیم که یکی از بچه‌ها به شوخی ضامن یک نارنجک را کشید و گذاشت وسط جمع. اولش هیچ‌کس کاری نکرد؛ انگار همه می‌خواستند بگویند که ما نمی‌ترسیم. آخرش یکی از بچه‌ها که دید راستی‌راستی نارنجک دارد منفجر می‌شود، با دادوبیداد آن را برداشت و به جایی بی‌خطر پرتاب کرد و صدای انفجار بلند شد. دیگر پیش مجید نرفتم!

شمارش معکوس برای عملیات

کل گردان در حیاط جمع شده بود. همه آمده بودند. فرمانده گردان حاج‌حسن محقق که سخت مریض بود، آمده بود تا نقشه عملیات و حد هر گروهان و دسته را مشخص کند. با کمک موتوربرق، مهتابی و لامپی روشن کرده و نقشه را به سینه دیوار کوبیده بودند. حاج‌حسن محقق، فرمانده خوش‌سیما و باتقوای گردان، اورکتی داشت که کلاهش را به‌خلاف همیشه روی سر کشیده بود که مرضی‌اش شدت نگیرد. صدایش ضعیف بود و لرزش داشت. آیا من او را زیباترین مرد جهان می‌دیدم یا واقعا این‌طور بود؟ من که دستم در کار هنر و ادبیات و فیلم بود، می‌گفتم سینمای ایران چطور تا حالا چنین چهره‌ای را کشف نکرده است؟ مثل مسیح، با اندامی کشیده و استوار در شبی مهتابی و سرد، کلاه او کتشر را بر سر کشیده بود و با طمانینه و وضعی که بنهانش می‌کرد، حرف می‌زد و بخار دهانش در نور چراغ ابهتی داشت. در آن لحظات فقط خدا می‌دانست که بعدها حاج‌حسن محقق از ناحیه دو پا معلول و جانباز می‌شود. در اطراف حاجی، معاون‌های گردان ایستاده بودند. بعد از تلاوت کلام‌الله، حاج‌حسن با چوبی که به دست داشت، منطقه را تشریح و عملیات را توجیه کرد و وظیفه گردان را توضیح داد. قرار بود قبل از ما گردان عمار و بعد گردان مالک عمل کنند و ما در مرحله سوم وارد عمل شویم. سمت راست ما هم قرار بود لشکر انصارالحسین (ع) همدان عمل کند. رمز عملیات، «قیچی و چاقو» بود که تلفظش برای عراقی‌ها مشکل بود. همان شب بی‌سروصدا به‌خطمان کردند و از لایه‌لای کوچه‌های خیس نخلستان عبورمان دادند. سرهای نخل‌ها در مه کم بود و به خدا می‌رسید. به جایی رسیدیم که کامیون‌ها برای انتقال، منتظرمان بودند. سوار شدیم و به راه افتادیم. وقتی شب عملیات تعیین می‌شد، از حدود ظهر به بعد حال‌وهوای بچه‌ها رفته‌رفته عوض می‌شد. همه با هم مهربان‌تر می‌شدند و کمتر حرف می‌زدند.

امرمرسوم تنبیه در مدارس

برخورد و رفتار تحقیرآمیزی که یک معلم با دانش‌آموز در مدرسه‌ای غیرانتفاعی در بوشهر انجام داده، با واکنش‌های گسترده‌ای روبه‌رو شده است. مدرسه در راستای پاسخ‌دهی به اعتراضات از قطع رشت و بازآفرینی‌ها می‌پردازد، برای نخستین‌بار به نمایش درخواهد آمد. خانه گفتمان شهر (خانه وارطان) در تهران، میدان فلسطین، خیابان طالقانی غربی، شماره ۵۱۴ واقع است.

سلام به فردا

آشوب‌ها و چشم‌اندازها

طلا و دلار به نرخ دولتی و اعدام چند نفر از آنان شد. تعدادی از کشورها با گرفتن مهلت روابط محدود تجاری خود را با ایران ادامه داده‌اند. البته اینکه کشورها اگر تجارت خود را با ایران منوط به کسب اجازه از آمریکا بدانند، فقط به ایران آسیب نمی‌رساند؛ بلکه برای خود آن کشورها نیز اهانت‌آمیز و تضعیف‌کننده استقلال ملی خواهد بود.

● تأثیر تحریم‌های آمریکایی بر ایران در سال ۲۰۱۹ بستگی به آثار تحریم‌های کنونی بر‌کُندکردن عملکرد اقتصادی ایران دارد و اینکه دولت ایران چه موضعی اتخاذ کند. در ایران دو طرز فکر وجود دارد؛ یکی اکثریتی که به شعار کلید رفع تحریم‌ها رای دادند که خواهان آرامش و اعتدال و تدبیر و توسعه اقتصادی و صنعتی هستند.

به عقیده ایان باید در پناه قطع‌نامه‌های شورای امنیت اسرائیل را وادار به عقب‌نشینی از سرزمین‌های اشغالی در جنگ ۱۹۶۷، منع خانه‌سازی در غرب رود اردن، پذیرش نظام دو دولتی و رسمیت دولت فلسطین به مرکزیت بیت‌المقدس کرد. طرز تفکر دوم که نقطه مقابل این جریان است اکنون کفه ترازو در سیاست داخلی بیشتر به این سمت گرایش دارد؛ با تبدیل «مسئله عرب و اسرائیل» به مسئله «ایران و اسرائیل» پیش‌بینی نمی‌شود تحریم‌های تحمیلی به ایران کاهش یابد. این سیاست مورد حمایت اغلب کشورهای عرب دوست اسرائیل هم هست.

آکادمی

خلق موفق فضای کافکایی*

یادداشتی برناتر «کافکا با من سخن بگو» به کارگردانی قطب‌الدین صادقی



● **محمدعلی آرامی**
متخصص مغز و اعصاب

با وجود گذشت بیش از صد سال از آفرینش ادبی فرانتس کافکا، هنوز چهره او با ابهام و ناشناختگی‌های فراوانی همراه است. شخصیت او نیز متناقض و پیچیده بوده و مفسران فراوانی در تحلیل شخصیت و آثار او قلم زده‌اند. اعتراف خود او مبنی بر اینکه نوشتن، دلمشغولی و پناهگاه اصلی او در تمام زندگی‌اش بوده است؛ ولی به نزدیک‌ترین دوست خود می‌سپارد که نوشته‌های او را نخواند از بین ببرد، اما نگه‌داشتن تمام نوشته‌ها و نامه‌هایش نشان از آن دارد که برای چاپ و عرضه آنها بی‌اشتیاق نبوده است. شمار آثار کافکا در مقایسه با بسیاری از نویسندگان کلاسیک و هم‌عصرش چندان درخور توجه نیست و به نظر می‌رسد که هیچ زمانی را به پایان نرساند.
باین‌حال نوشته‌های او بیش از سایر داستان‌نویسان مورد بحث و حرف و حدیث بوده‌اند. سبک و محتوی آثار او انعکاس صادقانه و بی‌واسطه احساسات، رؤیایها، ترس‌ها و اضطرابات اوست. حالاتی که در رفتار بیرونی او چندان مشاهده نمی‌شدند. ارانه صادقانه، رها از سرکوب و تخلیل آزادانه‌اش از تمام گوشه‌ها و بیج‌وتاب‌های روان، فضایی استثنائی به وجود آورده که به‌حق «فضای کافکایی» نام گرفته است. قطب‌الدین صادقی، هنرمند نام‌آشنا و پرکار حوزه هنری‌های نمایشی، تلاش کرده است با نگاهی تازه و متفاوت این چهره پررمزوراز، پیچیده و مهم ادبیات جهان را به نمایش بگذارد. نمایش‌نامه او دارای دیالوگ‌های مناسب و سنجیده‌ای است که با آثار و زندگی او قرابت دارد و نشان می‌دهد نویسنده با دقت کافی آثار کافکا را خوانده و در حواشی زندگی او کنکاش فراوانی کرده است. روایاتی که از دغدغه‌ها و رفتار کافکا در مواجهه با پدر که یادآور عقده ادیپ فروید است، رفتار سواس‌گونه درباره روابط او با زنان و مسئله ازدواج، تلاش کرده است با نگاهی تازه و متفاوت در این نمایش‌نامه استفاده شده‌اند تا مخاطب را در فضای کافکایی قرار دهد. به گمان من خلق موفق این فضا با اجرای بسیار خوب بازیگر نقش کافکا به شکل مقبولی محقق شده است. استفاده از موسیقی کر نیز که مورد علاقه کافکا بوده است، هوشمندانه است.

پی‌نوشت:

* صفت «کافکایی» از نام فرانتس کافکای نویسنده گرفته شده است. این واژه دلالت می‌کند بر حسی دلهره‌آور، ناشی از تردیدی مبهم و تهدیدی معماگونه و ناملموس، بر حس بازیچه دست قدرت‌هایی شیخ‌وار و مجهول شدن. در این فضا، شخصیت‌های اصلی اغلب در وضعیت‌هایی غیرشفاف و تهدیدآمیز قرار داشته و کیفیتی آلوده به طنزی سیاه و ترازیک دارند.



پرنده آبی

فشارهای اقتصادی و مشکلات مربوط به تأمین‌نشدن مالی مناسب معلمان است که سبب می‌شود تا آنان با مسائلی کوچک از کوره دربروند، عده‌ای اعتراض جدی داشتند: «کاش بفهمید که با این کارا بچه برای همیشه از مدرسه بیزار می‌شود. کاش دریافته شود تحقیر با تنبیه فرق دارد و شخصیتی که این چنین ضربه می‌خورد، دیگر درست نمی‌شود». بسیاری دیگر نیز این مطالبه را به عنوان یکی از معمولی‌ترین مطالبات جامعه مطرح کردند که رفتاری مناسب شان و شخصیت دانش‌آموزان و معلمان باید در مدارس جاری باشد.